

زندگینامه کمونیست جانباخته حسن منصورى کادر و مسئول سازمان پیکار در ارومیه

سحرگاه 18 مرداد 1360، زندان تبریز شاهد تیرباران بیش از 20 انقلابی و کمونیست بود. حسن منصورى، یکی از ستاره های سرخ جنبش کمونیستی نیز به همراه دیگر دوستان و رفقاییش در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت و خاموش شد.

حسن منصورى در بهار سال 1340 در شهر ارومیه متولد شد. پدرش ابراهیم منصورى و مادرش لیلی وکیلى بود. آنها در میان مردم سرشناس و قابل احترام بودند. حسن دوران کودکی را در خانواده و محله ای شلوغ و پر جمعیت و با روابطی صمیمانه و عاطفی سپری نمود. انسانی سرزنده و شاداب و پر انرژی بود. تحصیلات ابتدایی را در همان محله گذراند.



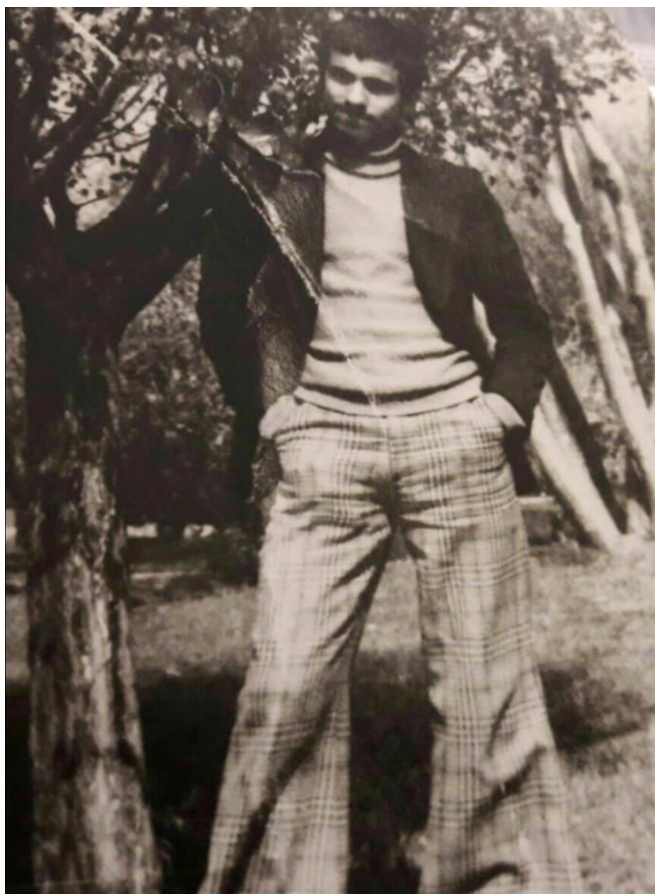
نوجوانی بود بسیار مهربان، دلسوز و با اطرافیان خود روابط صمیمانه و محبت آمیزی داشت.

حسن از دوره نوجوانی علاوه بر تحصیل در زمینه های ورزشی و هنری نیز فعال بود. او فوتبالیست خوبی بود و با جوانان و نوجوانان هم محله تیم فوتبال درست کرده و در مسابقات محلات ارومیه شرکت میکرد.

13 - 14 ساله بود که به رفاه، موسسه فرهنگی آن دوران رفت و آمد میکرد. در آنجا با تئاتر آشنا و سپس در این زمینه فعال شد. خواندن نمایشنامه ها و ایفای نقش در تئاتر "توکانی در قفس" شاید اولین جرقه ای باشد که احساس آزادی و آزادگی را در وجود او بیدار کرد. پذیرش نقش و بازی در چندین نمایش تئاتر از نمایشنامه های برتولت برشت، شخصیت و خصوصیات فردی او را میان اطرافیان برجسته کرده بود. فعالیتهای فرهنگی و هنری محرک رشد آگاهی و پیدایش روحیه رزمندگی و آزادگی در او شده بودند.

علاقه زیادی به مطالعه کتاب داشت. در اوایل نوجوانی برای مدتی کوتاه به مطالعه آثار علی شریعتی علاقه نشان میداد. با مطالعه کتاب مادر و دیگر کتابهای ماکسیم گورگی و رمانهای رومن رولان که تصویری از اوضاع جامعه آن دوران بودند، جهان بینی و اندیشه او بکلی متحول شدند.

سال 1354 در "دبیرستان جامع" که فقط دانش آموزان ممتاز ارومیه در آن تحصیل میکردند، به تحصیل پرداخت و سال 1358 از همین مدرسه فارغ التحصیل شد.



در برآمد و اعتراضات توده ای 1357 به قیام پیوست و در بیشتر اجتماعات اعتراضی فعالانه

شرکت میکرد. او در گرماگرم مبارزات انقلابی با کمونیسم آشنا شد.

با باز شدن هر چه بیشتر فضای سیاسی جامعه، با مطالعه آثار مارکس و کتابهای کمونیستی که براحتی با عنوان کتابهای سفید منتشر میشدند کمونیست شد و بیشتر وقت خود را با مطالعه آثار سوسیالیستی، شرکت در جلسات سیاسی و تجمعات اعتراضی می گذراند.

او در تلاطمها سیاسی و فضای پرتب و تاب سیاسی آن برهه که همه درگیر سیاست بودند، در جمعهای خانوادگی و دوستان تلاش میکرد گفتگوهای سیاسی را به چشم انداز سوسیالیستی سوق دهد.

حسن منصوری اگر چه بسیار جوان بود، اما بزودی بعنوان یک فعال سیاسی، برای زوال و نابودی نظام بورژوازی، برای برچیدن نظام سیاسی آن و رژیم جمهوری اسلامی، برای بنیان نهادن جامعه ای فارغ از ظلم و نابرابری، جهل و عقب ماندگی تمام قد ایستاد و همراه با "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بکار و مبارزه پرداخت.

حسن یکی از کادرهای کمونیست و فعال تشکیلات پیکار در ارومیه بود و در سال 1358 مسئولیت سازماندهی تشکیلات دانش آموزی سازمان پیکار در ارومیه را بعهده گرفت. هر چند که او مسئول تشکیلات دانش آموزی ارومیه بود ولی در عرصه های فعالیت دانشجویی، روستایی و کارگری نیز نقش چشمگیری داشت.

اندکی بعد از انقلاب اسلامی، رژیم برای سرکوب و حذف نیروهای چپ و سوسیالیست دست به انقلاب فرهنگی زد و دانشگاهها را بست و حسن نتوانست در دانشگاه به تحصیل ادامه دهد.

حسن جوانی بسیار پر انرژی و پرکار بود. عشق او به رهایی انسان از او یک فعال به تمام معنا خستگی ناپذیر و حرفه ای ساخته بود. در روابطش صمیمی، دقیق، صادق، فداکار، متین، خوشرو و شاداب بود.

در فعالیت سیاسی اش انسانی باسواد، فعال، سازمانده و مبلغ توانایی بود. برای رشد و گسترش تفکر سوسیالیستی با جدیت در محافل و جمعهای دانش آموزی، دانشجویی و کارگری حاضر میشد. در دبیرستانهای ارومیه پیکار گران کمونیست را در هسته ها سازماندهی میکرد و در هدایت و کنترل فعالیتهای آنها نقش بزرگی داشت. هواداران متشکل در هسته ها در آگاهگری و تبلیغ ایده های سوسیالیستی، پخش نشریات و اعلامیه های تشکیلات در مدارس و در سطح شهر ارومیه و روستاهای اطراف تلاش شبانه روزی داشتند.

حسن برای پرورش کادرهای کمونیست، ارتقا آگاهی، دانش سیاسی و اجتماعی اعضا جمعهای مطالعاتی آثار سوسیالیستی تشکیل داده بود.

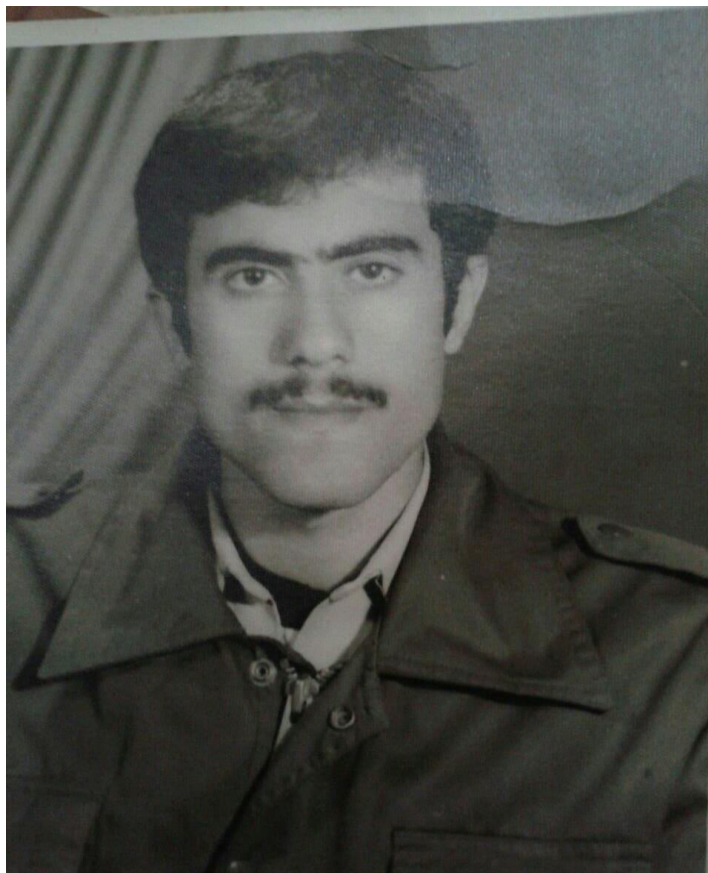
یکی از اولین کسانی بود که برای ایجاد و دایر کردن کتابخانه در مدارس ارومیه پیشقدم شد. او از طریق هسته های دانش آموزی توانست در چندین دبیرستان کتابخانه مستقل دایر کند و برای آنها صدها جلد کتابهای سیاسی، اقتصادی، فلسفی، علمی، ادبیات انقلابی و کارگری، آثار کلاسیک سوسیالیستی تهیه کرد که تا آن زمان در کتابخانه های رسمی مدارس ممنوع بود.

یکی از اقدامات حسن منصوری در آن دوره ایجاد یک چاپخانه مخفی در شهر ارومیه بود که بطور مداوم مشغول چاپ و بازتکثیر اعلامیه ها و تراکنهای تشکیلات بود.

در ارومیه انتشار خبرنامه تورکی آذربایجانی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. حسن در انتشار و پخش آن که به مسائل و اخبار ارومیه می پرداخت تلاش زیادی کرد و هر هفته صدها خبرنامه بطور مجانی در اختیار مردم قرار میگرفت.

در سازماندهی گروه کوهنوردی مسئولیت و نقش فعالی داشت. هدف او از کوهنوردی ایجاد روحیه کار جمعی، برقراری رابطه دوستی، ایجاد اعتماد در بین هم‌زمان، ورزش گروهی و جلسه سیاسی در کوه بود که فعالین کمونیست هر جمعه برای فتح قله ای روانه کوههای حوالی ارومیه می شدند.

در سازماندهی مبارزات توده ای، کارگری و دانش آموزی نیز حسن فردی توانا بود. توانایی او در سازماندهی و هدایت اعتراضات اجتماعی، همراهی او با سایر رهبران اعتراضات و نیز قرار گرفتن او در صف مقدم مبارزات، از او یک چهره محبوب، سرشناس و قابل اتکا ساخته بود.



انجام این وظایف سنگین و فعالیتهای مختلف بیشترین حجم کار و زندگی او را تشکیل میدادند. حسن منصوری در پیشبرد خیلی از مبارزات دیگر اجتماعی نقش پیشرو و فعالی داشت. به چند نمونه از فعالیتهای او در زیر اشاره میشود.

در فروردین سال 1358 دهقانان و رعینهای مناطق سومای برادوست در اعتراض بر علیه اربابان که زمینهای دهقانان را غصب کرده و آنها را از روستاهایشان بیرون کرده بودند، در سالن شهرداری ارومیه تحصن کردند. حسن در جهت تامین نیازهای تحصن کنندگان و جلب حمایت مردم از دهقانان تا آخرین روز تحصن کوشید.

در سال 1358-1359، در رهبری تحصن ها و تظاهراتهای دبیرستانهای ارومیه نقش بزرگی ایفا نمود. اعتراضات دانش آموزی که یکسره شدن مدارس، تشکیل شورای دانش آموزی، تشکیل کتابخانه و ایجاد دفتر برای فعالیتهای سیاسی که چندین ماه ادامه داشت جزء خواسته های

دانش آموزان بودند.

حضور فعال در جشن روز اتحاد جهانی کارگران در 11 اردیبهشت سال 1358 داشت که کارگران و نیروهای دمکراتیک و سوسیالیست برای اولین بار در ارومیه با تظاهرات چندین هزار نفری جشن گرفتند. همچنین نقش فعال او در سازماندهی هواداران سازمان پیکار در برگزاری مراسم و راهپیمایی اول ماه مه سال 1359 که با شکوهتر از سال پیش گرامی داشته شد.

در سال 1359 کارگران بیکار و دیپلمه های بیکار در ارومیه چندین بار راه تظاهراتهای بزرگی را به نمایش گذاشتند که تعدادی از رهبران و هم‌زمان حسن از جمله کامران دانشخواه دستگیر شدند ولی اعتراض و حمایت کارگران به آزادی آنها منجر شد.

در سال 1360 بخاطر سرکوب، اختناق و ممنوعیت برگزاری جشن روز همبستگی جهانی کارگران در ارومیه، همه هواداران بخصوص دانش آموزان، دانشجویان و کارگران هوادار سازمان پیکار برای شرکت در جشن اول ماه مه به تبریز رفتند و در مراسم و تظاهرات بزرگ اول ماه مه در تبریز شرکت کردند. همه هواداران پیکار در ارومیه حسن را بخاطر نقش فعال او در اتخاذ چنین تصمیمی و اجرای موفق آن می ستودند.

از دیگر فعالیتهای حسن منصوری حضور در میان کارگران روز مزد و فصلی در میادین کار و درگیر شدن با مسائل و مشکلات شان بود. ایمان داشت که سوسیالیسم امر طبقه کارگر است، امری که در پروسه مبارزاتی و کسب خود آگاهی و سازماندهی انقلاب طبقاتی خود کارگران دیر یا زود به سرانجام خواهند رساند. لذا در هر فرصتی بخصوص صبح زود برای ارتباط با کارگران در میادین کار حضور بهم میرساند.

حسن بعنوان یک سوسیالیست برای رشد و پیروزی همه جنبشهای دمکراتیک پیکار میکرد. او نه تنها برای تحقق مطالبات و حقوق طبقاتی کارگران مبارزه میکرد بلکه به مطالبات دمکراتیک مردم از قبیل برابری کامل و همه جانبه حقوق زنان و مردان، حقوق کودکان، سکولاریسم، حقوق اقلیتهای مذهبی، آزادیهای بیان، مطبوعات و آزادی تشکل و برابری حقوق ملل تحت ستم در ایران ارزش و اهمیت ویژه ای قائل بود.

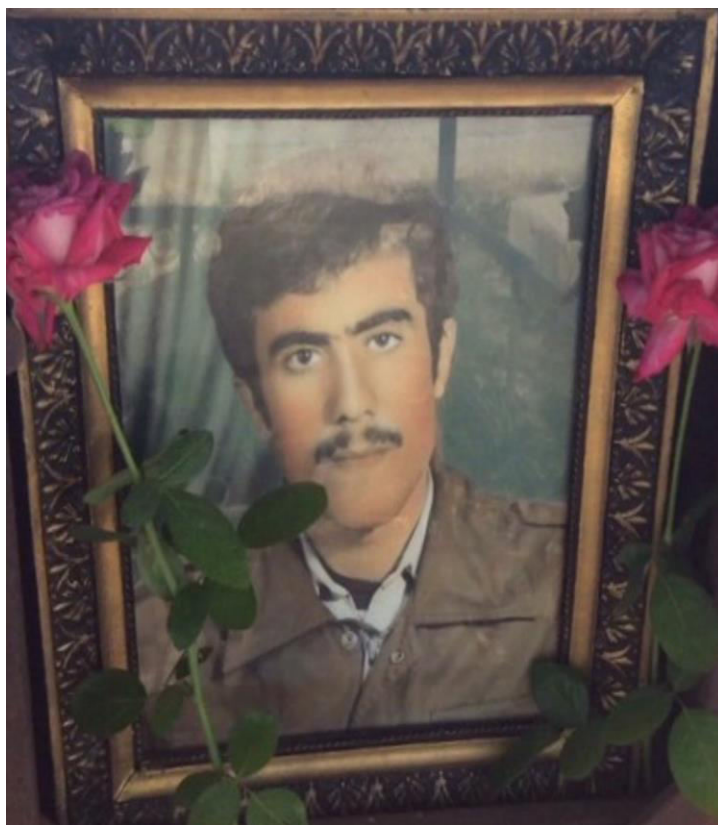
حسن منصوری به مطالبه حق ملل در تعیین سرنوشت خویش اعتقاد داشت و به همین علت از مبارزه مردم کردستان برای کسب حقوق دمکراتیک و از مقاومت مردم کردستان در برابر هجوم های وحشیانه جمهوری اسلامی که برای گسترش ارتجاع از هیچگونه جنایتی فروگذاری نمی کرد، حمایت و کمک همه جانبه ای میکرد. او بطور خستگی ناپذیری برای جمع آوری کمکهای جنسی، مالی، دارو، لوازم پزشکی و پوشاک برای کردستان تلاش میکرد و هواداران و اطرافیان را به این منظور تشویق و سازمان داده بود. تعداد زیادی از فعالین و مبارزین سیاسی کرد عضوی از خانواده او شده بودند و تحت حمایت و حفاظت او قرار داشتند. او در نشر و پخش اعلامیه ها و تراکتهای مربوط به اخبار مبارزاتی کردستان کوشا بود. جهت جلب پشتیبانی مردم آذربایجان از جنبش رهایی بخش و دمکراتیک مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی فعال بود. تعداد زیادی از هم‌زمان او به صف پیشمرگان کمونیست کردستان پیوستند و تعدادی از آنها از جمله خسرو جهاننده و عتیق شیری جانباختند. خسرو جهاننده پسرخاله حسن بود و به مدت سه سال در سازمان پیکار همسنگر و همکار بودند. او سالها در مناطق مختلف کردستان جنگید. خسرو با نام مستعار مصطفی عجم به بسیاری از مردم کردستان شناخته شده بود و به یکی از محبوب ترین پیشمرگان کومه له در میان مردم کردستان تبدیل شده بود. او موقع جانباختن کادر و مسئول سیاسی گردان 22 کومه له و حزب کمونیست ایران بود. حسن همیشه برای خسرو شخصیتی انقلابی، رزمنده و الگوی بسیار تاثیرگذار و الهام بخش بود.

در سال 1360 رژیم اسلامی همه نیرو و توان خود را برای سرکوب و نابودی آزادیها متمرکز کرده بود. حسن با همکاری تعداد دیگری از رفقاییش برای جلوگیری از نابودی کتابهای جنبش کارگری و سوسیالیستی به جمع آوری صدها کتاب و منابع مختلف علمی، سیاسی و سوسیالیستی اقدام نمودند و در خانه ای کتابخانه مخفی بزرگی ایجاد کردند. سرانجام در اواخر خرداد سال 1360، حسن به همراه یکی از رفقاییش کامران دانشخواه در همان خانه با صدها جلد کتاب، اموال تشکیلات پیکار و مقدار زیادی کمکهای جنسی، دارو و لوازم پزشکی جمع آوری شده به کردستان دستگیر شد که بعد از چندی از شکنجه گاههای اطلاعات ارومیه به زندان تبریز منتقل شد. در دوران زندان از روحیه مقاومت و رزمندگی بی سابقه ای برخوردار بود و زندان را عرصه دیگری از مبارزه خود میدانست.

به نقل از دوستان هم بندش، دو بار حسن و رفیق پیکارگش کامران دانشخواه را به اعدام فرا میخوانند، اما آنها با روحیه ای که گویا مرگ را به سخره گرفته باشند، دست در شانه یکدیگر راهی اعدام می شدند، اما هر بار با اعدام نمایشی مواجه شده و به بند باز گردانده می شدند.

تا اینکه در سحرگاه 18 مرداد 1360 حسن منصوری به همراه کامران دانشخواه و بیش از 20 کمونیست و انقلابی دیگر در تبریز، در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و اعدام شد.

مامورین اطلاعات و سپاه پاسداران به خانواده حسن هشدار دادند که آنها حق برگزاری مراسم و حق دفن یک کمونیست در قبرستان شهر ارومیه را ندارند. علیرغم تهدیدات رژیم، پیکر حسن با حضور صدها نفر از مردم ارومیه و روستاها به قبرستان روستای میاوا (میاوق) در نزدیکی دریاچه ارومیه منتقل شد و در آنجا به خاک سپرده شد.





حسن قبل از اعدام در واپسین نامه و پیامش با جسارتی بی نظیر مردم و انقلابیون کمونیست را به مبارزه بی امان علیه هر نوع ظلم و تبعیضی، علیه نظام استثمارگرانه کاپیتالیستی و ایجاد جامعه سوسیالیستی فرا خواند.

متن کامل واپسین نامه و پیام او در زیر می‌آید:

"بین سرمایه داری و کمونیسم دره عمیقی وجود دارد که با خاکستر ما کمونیست ها پر خواهد شد." هوشی مین

کارگران و زحمتکشان!

هم اکنون شاهدیم که رژیم جمهوری اسلامی با درندگی هر چه تمام تر به اعدام انقلابیون و توده های زحمتکش مشغول است. رژیمی که در واقع، میوه چین جانبازی ها و قهرمانی های شما میباشد، رژیمی که بعد از قیام خونین 22 بهمن سلاخی را که شما به دست داشتید و به طرف سرمایه داری نشانه می رفتید از دستتان گرفت و راه سازش را در پیش گرفت. رژیمی که برای حفظ سرمایه داری و پاسداری از آن به شیوه های مختلف از جمله نیرنگ آشکار کوشید. اما تا ظلم هست مبارزه هم هست.

بعد از قیام خونین، ریشه های مادی این ظلم از بین نرفت و مبارزه توده ها هم ادامه یافت. مبارزه ای که سرانجام طبقه کارگر و زحمتکشان به پیروزی دست خواهند یافت و جامعه سعادت مند خود، سوسیالیسم و کمونیسم را خواهند ساخت. اما این کار آسان نیست. برای تحقق این امر خون ها جاری میشود و انقلابیون اعدام میگردند به همین خاطر اعدام ما به دست رژیم جمهوری اسلامی امری طبیعی است و ما با افتخار به استقبال چنین مرگ سرخی می رویم. کشته شدن در راه طبقه کارگر واقعا که افتخار است.

من به خانواده ام، به مادر، به پدر، به خواهرانم و به برادر کوچکم و همه فامیلهایم سلام دارم و از همه آنها می خواهم نه تنها از مرگ من بلکه هیچکدام از انقلابیون ناراحت نباشند و سرافراز و سربلند باشند.

من به تمامی رفقایم توصیه می کنم که راه طبقه کارگر را با سر سختی هر چه تمامتر ادامه دهند و البته ایمان دارم که آنها نیز چنین خواهند کرد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد کمونیسم

حسن منصورى

18 /5 /1360

حسن منصورى اگر چه کوتاه زیست اما تمامی لحظات زندگی اش را وقف مبارزه برای تحقق حقوق دموکراتیک مردم و رهایی انسانها از ظلم و استثمار نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم نمود و جانش را در راه آرمانهای والای کمونیستی فدا کرد. پرداختن به همه تلاشها، فداکاریها، مبارزات و شخصیت والای حسن منصورى کار آسانی نیست. در اینجا بمناسبت گرامیداشت یاد و خاطره حسن، به زندگی کوتاه و به گوشه هایی از مبارزات او بطور مختصر اشاره شده است. یاد و خاطره حسن منصورى در دل خانواده، دوستان، پیکارگران آزادی، برابری و سوسیالیسم همیشه زنده است.

از طرف تعدادی از همزمان و رفقای سابق حسن منصورى در خارج کشور